**جغرافیای اداری هخامنشیان**

**نویسنده : بهرامی، عسکر**

جغرافیای اداری هخامنشیان. آرنولد توینبی، ترجمه همایون صنعتی‏زاده. بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی. تهران 1378. 297 ص.

«جغرافیای اداری شاهنشاهی هخامنشی» عنوان بخشی مفصل از جلد هفتم کتاب مشهور توینبی با عنوان مطالعه تاریخ است و بسیاری از خوانندگان فارسی‏زبان، با کتابهای تاریخ عمومی این پژوهشگر نامدار آشنایی دارند. کتاب حاضر ترجمه بخش یاد شده است که البته مترجم فارسی، سه مطلب دیگر (از ترجمه‏های دیگران) را هم پیوست آن کرده است.

کتاب توینبی، بازسازی جغرافیای اداری شاهنشاهی هخامنشی براساس شماری از کتیبه‏های فارسی باستان است و، همچنانکه انتظار می‏رود، سرشار از اعلام تاریخی و جغرافیایی است که در منابع تاریخی به صورتهای گوناگون ضبط شده است. در واقع این گونه اعلام از عمده‏ترین مشکلات پژوهشها، و نیز نویسندگان و مترجمان است و توافق بر سر املایی ثابت برای یک نام، در بسیاری از موارد، اصلاً حاصل نمی‏آید. بنابراین، ترجمه این گونه آثار، علاوه بر ـ اگر نگوییم تبحر، دست کم ـ آشنایی مترجم با موضوع، حوصله فراوان و پیگیری مستمر و سرسختانه را هم می‏طلبد.

کتاب حاضر چنانکه اشاره شد، پر از نامها و اصطلاحات تاریخی و جغرافیایی است و به مباحثی می‏پردازد که بسیار دور از ذهن و حوصله مترجم آن است. بدین ترتیب این کتاب نیز حاوی همان مشکلات ترجمه‏های پیشین ایشان است که می‏توان آنها را در چند مقوله دسته‏بندی کرد: 1) ترجمه پرابهام و گاه حتی غلط؛ 2) ضبط نادرست و بسیار گونه‏گونِ نامها و اصطلاحات خاص؛ 3) رسم‏الخط آشفته و فراوانی غلطهای چاپی و غیرچاپی. اکنون از هر مقوله چند نمونه (از کتاب حاضر) می‏آوریم:

1) مترجم (در ص 10) چنین آورده است: «سیماب آبگینه‏ای که جلوه‏گاه روش و شیوه مبتنی بر عطوفت و تساهل هخامنشیان شد، همین سیاست ظالمانه و خشن آشوریان بود. سیاستی که متضمن نابودی هویت فرهنگی ملل به انقیاد درآمده بود». این قطعه ترجمه نادرست و گسترش‏یافته جمله زیر (از ص 582) است:

This Assyrian policy of assimilation was the background and foil against which an antithetical policy was inaugurated by the Achaemenidae.

می‏توان دید که مترجم علاوه بر افزودن مطالب زائد به متن و ترجمه «بسیار آزاد»، جمله‏ای (هرچند ظاهرا کمی هم شاعرانه، اما) غلط و پرابهام ارائه داده‏اند. باید پرسید که چگونه «سیماب آبگینه‏ای سیاست ظالمانه آشوریان، جلوگاه روش و شیوه مبتنی بر عطوفت هخامنشیان» شده است. تا آنجا که نگارنده این سطور می‏داند، «سیماب آبگینه‏ای» (یعنی همان اندود نقره‏ای که شیشه را آینه می‏سازد) خودِ تصویر را بازمی‏تاباند و نه متضاد یا مغایر آن را. واقعیت تاریخی و سخن توینبی آن است که «سیاست همگون‏سازی آشوری، زمینه و وجه تقابل سیاست متفاوت هخامنشیان شد».

مترجم در مقدمه آورده است که «سیاق قلم مؤلف» را رعایت نکرده و کوشیده است «اندیشه‏های مؤلف را درک کرده به فارسی برگرداند». باید پرسید در این صورت چه نیازی به آوردن آن همه افزوده‏ها در میان [[ ]] (چهار قلاب) بوده که هم متن را زشت کرده و هم با سیاق قلم مترجم در اغلب جاها مغایرت دارد. کم‏اطلاع‏ترین خواننده این‏گونه کتابها هم می‏تواند دریابد که مقصود نویسنده از Cyrus II همان «کورش کبیر» است و نیازی نیست مترجم با آوردن «کوروش دوم ]]=کبیر[[» متن را این چنین شلوغ کند. ضمنا معلوم نیست کدام اصل علمی یا اخلاقی حکم می‏کند که سیاق قلم مؤلف را نباید حفظ کرد. با این همه، آیا رهاکردن خود از این سیاق، به معنای افزودن ذهنیات خویش به اندیشه‏های مؤلف است؟ نویسنده (در ص 594) جمله‏ای می‏آورد که آغازش چنین است:

If Herodotus had only known it, ...

که مترجم این قطعه را (در ص 32) چنین استنباط کرده است: «اگر عقل هرودوت رسیده بود...» معلوم نیست در کجای این عبارت توینبی «عقل هرودوت» را زیر سؤال برده است. مترجم علاوه براین دستکاری، جمله را هم غلط ترجمه کرده و عبارت these two را به «یکی از این دو» برگردانده است.

ایشـان در ترجمـه واژه grandson، (در ص 38) اصطـلاح «پسرزاده» را آورده و کورش را «پسر زاده آستیاک» (و در اصل آستیاگ) معرفی کرده است. با آنکه در صفحه بعد درباره کورش آمده است که «مادرش شاهزاده‏خانمی مادی بود» متأسفانه مترجم محترم توجه نکرده است که وی دخترزاده آستیاگ بود و نه پسرزاده‏اش. ظاهرا مترجم محترم متوجه نشده است که جزء دوم این کلمه (son= پسر) بر جنسیت نوه دلالت دارد و نه والد او.

تقریبا در سرتاسر کتاب، مترجم، به غلط نام Oxus (=جیحون) را به «سیحون» و Jaxartes (=سیحون) را به «جیحون» ترجمه کرده است. اما نکته جالب آن که ایشان در چندین مورد، باز هم به غلط، در مقابل سیحون (=سیر دریا) «آمودریا» و در برابر جیحون (=آمودریا)، «سیر دریا» را درون همان چهارقلابها افزوده و تنها در این مواردِ غلط اندر غلط، حاصل کار درست از آب درآمده است! ایشان همچنین (در ص 44) در ترجمه legitimate representative، اصطلاح «وارث حلال‏زاده» (!) را آورده است. گفتنی است که legitimate علاوه بر «حلال‏زاده» معانی دیگر چون «مشروع»، «قانونی» و «برحق» نیز دارد و تا آنجا که نگارنده این سطور می‏داند در تاریخ، هرگز بحث حلال‏زادگی پادشاه (!) در میان نبوده، بلکه مشروعیت وی اهمیت داشته است.

2) ضبط نادرست و به‏راستی فوق‏العاده گوناگون نامها، یا حتی برخی عبارات اسمی هم، بی‏اغراق، ویژگی کار مترجم کتاب حاضر شده است. (نمونه بارز آن، آشفتگی ترجمه تاریخ کیش زردشت اثر مری بویس است که گویا ترجمه آن با کسب اجازه مخصوص از نویسنده صورت گرفته است. اگر خانم بویس دست کم یک صفحه از آن کتاب را مطالعه می‏کردند می‏دیدند که حاصل یک عمر پژوهش ایشان چگونه به خواننده فارسی‏زبان عرضه شده است).

فهرست پایانی کتاب حاضر، ظاهرا «فهرست اعلام» نام گرفته است، ولی عباراتی نظیر «آنان‏که در دریا می‏زیند»، «آنها که در دریا می‏زیند» یا «آنها که در دریایند» (که معلوم نیست میان این سه گروه چه تفاوتی هست) و نیز عباراتی چون «اقوام مجاور تا دریای سیاه» (!) یا «یونانیان خشکی‏نشین»، «یونانیان ساکن خشکی»، «یونانیهای خشکی‏نشین» و بالأخره «یونانیهای ساکن خشکی» (همراه با چندین نام دیگر برای این گروه) نیز در این فهرست چندان کم نیست.

مترجم در مقدمه آورده است که «همان شیوه متن انگلیسی که در آن، انبوه اسامی خاص با تلفظ و املای یکدست و یکنواخت نیامده است، در ترجمه به‏کار گرفته شده ...» و بدین‏ترتیب گناه آشفتگیها را به گردن نویسنده انداخته است. با این حال کم نیست آشفتگیهایی از این دست که حاصل کار خود مترجم است. یک نمونه‏اش نام Roland G. Kent است که ایشان آن را به چندین شکل آورده‏اند: «رونالد جی. کنت» (ص 7)، «رولند جی. کنت» (ص 21)، «رولاند. جی. کنت» (ص 40)، «ر. جی. کنت» (ص 41)، «رونالد کنت» (ص 102)، «ار. جی. کنت» (ص 115) و «جی. کنت» (ص 123).

نویسنده، نامها را به دقت آوانویسی کرده است، اما مترجم نشانه‏های آوانگاری را ظاهرا چیزی فراتر از نشانه‏های تزیینی نیافته‏اند و بدین‏ترتیب، غالبا مصوتهای کوتاه را به صورت کشیده و گاه حتی برعکس، به خط فارسی درآورده‏اند. با این همه باز هم

نشر دانش » شماره 99 (صفحه 63)

نتیجه کار یکدست نیست و مثلاً SakaÎ HaumavargaÎ را به صورتهای مختلفی چون «سکاهای هئوماورگه»، «سکه‏های هئوم ورگه»، «سکه‏های هئومه ورگه» و «سکه‏های هماورگه» (همه از فهرست اعلام) آورده‏اند و این اختلافها ربطی به متن اصلی ندارد. مترجم نام AthuraÎ را (در ص 18) با جابه‏جایی مصوتهای آغاز و پایان به صورت «آثوره» آورده است. ضمن اینکه ایشان در بسیاری از موارد، در ضبط نامها از به‏کارگیری «گ» پرهیز کرده و مثلاً آستیاگ، گوگمل و گئوتمه بودا را «آستیاک»، «کوکمل» و «کواتمابودا» نوشته‏اند.

ایشان همچنین نام HuÎja یا UÎvja را به غلط «اُژه» (در ص 18) یا «اوژه» (در ص 94) ضبط کرده و صورت اصلی را هم به غلط «Uuja یا Huja» آورده است. گفتنی است که در فارسی باستان، نشانه‏ای برای «ژ» وجود ندارد و گویا این نام، «اُوْجَه» یا «هُوجَه» تلفظ می‏شد و برای نامیدن خوزستان کنونی به کار می‏رفت. نمونه دیگر (از ص 53) نامی است که ایشان «متنی/ Mtanni» آورده‏اند؛ با مراجعه به متن انگلیسی اثر می‏توان دید که صورت درست آن Mitanni و در واقع همان میتانی مشهور است.

3) آشفتگی رسم‏الخط و نثر، رعایت‏نکردن نشانه‏های سجاوندی و فراوانی غلطهای چاپی هم از دیگر ویژگیهای آثار مترجم کتاب حاضر است؛ و خواننده در شگفت می‏ماند که چگونه این کتاب را (به تصریح مترجم محترم در مقدمه) بزرگانی مطالعه کرده‏اند و غلطهای آن را یادآور شده‏اند و با این حال، این همه غلط و آشفتگی در آن باقی مانده است.